

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه شهید مازی آذربایجان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشکده زبان و ادبیات فارسی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

تحقیق در دیوان قوامی رازی

استاد راهنما:

دکتر یحیی آتش زای

استاد مشاور:

دکتر حسین صدقی

پژوهشگر:

نجف غنی زاده

اسفند ۹۳

تبریز- ایران

تقدیم به

پدر و مادر عزیزم که همواره با نفس‌های گرمشان در تمام عرصه‌های زندگی یار و یاور من چشم داشت برای من بوده‌اند.

برادران و خواهران عزیزم که زیبایی حضورشان در کنارم خستگی‌های این راه را به امید و روشنی تبدیل کرد.

و تقدیم به روح برادر بزرگم...

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس پروردگار بلندمرتبه را که برایم مقلدّر نمود تا در وادی علم و دانش ره بسپرم و اندوخته‌ای هرچند اندک و ناچیز، برگیرم.

اکنون که مراحل تدوین این پژوهش به سرانجام رسیده، لازم است از زحمات و راهنمایی‌های استاد نازنینم جناب آقای دکتر یحیی آتش‌زای، از مشاور ارجمند و مهربانم، جناب آقای دکتر حسین صدقی و نیز از استاد فاضل و ارجمندم جناب آقای دکتر رحمان مشتاق مهر که زحمت بازبینی و داوری این پایان نامه را متقبل شدند، نهایت تشکر و امتنان خود را اعلام نمایم و برای این بزرگواران از درگاه ایزد متعال سلامتی و بهروزی آرزو نمایم.

از برادر عزیزم، مصطفی غنی‌زاده و نیز از دوستان مشفقم، اکبر پورنقی و حسین جعفریان که مرا در طی مسیر پژوهش یاری نمودند، بی‌نهایت سپاسگزارم.

چکیده

امیر بدرالدین قوامی رازی از شعرای قرن ششم هجری است. دیوان وی شامل ۵۸ قصیده، ۵۱ غزل، ۴ ترکیب‌بند و ۳ ترجیع‌بند است. شغل وی نانوایی بوده که در دیوانش اشاره‌های فراوانی به آن داشته است و تشبیه شعرش به نان از پررنگ‌ترین تشبیهات اوست. از میان شعرا به سنایی ارادت خاص دارد، در جای‌جای دیوانش به نام ایشان اشاره داشته و در مواردی خود را برتر از او دانسته است. در جوانی اوضاع مادی نابسامانی داشته و اشعارش را فدای در یوزگی و گدایی کرده است. مضامین قصاید، ترجیع‌بندها و ترکیب‌بندهای وی شامل ستایش خداوند، نعت پیامبر، زهد و اخلاقیات، مدح و ستایش شخصیت‌های برجسته مذهبی و سیاسی و علمی زمان خود و نیز ستایش اهل بیت پیامبر (ص)، مخصوصاً حضرت علی (ع) است. در غزلیات شیرین و دل‌نشینش به زیبایی به توصیف صفات و ویژگی‌های عشق، عاشق و مخصوصاً به خصوصیات ظاهری و رفتاری معشوق پرداخته است.

در زمینه موسیقی درونی شعر، بیشترین توجه قوامی به صنعت سجع است. این صنعت در موارد فراوانی همسان با قافیۀ کناری به کار رفته است. بحر هزج و بحر مضارع بیشترین درصد اوزان دیوان قوامی را شامل می‌شوند. در زمینه موسیقی معنوی شعر، بیشترین عنایت شاعر به آیات و داستان‌های قرآنی و نیز تمثیل‌های شیرین و دل‌نشین است. در دیوان قوامی رازی صور خیال حضور پررنگ و اثرگذاری دارند؛ در این میان، تشبیه، بیشترین بسامد را دارد. استعاره و کنایه بعد از تشبیه، تشخیص آشکار دارند و مجاز بعد از آن‌ها در مرحله پایینی قرار دارد. اصطلاحات علمی به کار رفته در دیوان قوامی عبارتند از: اصطلاحات نجومی، پزشکی، فقهی، کلامی و عرفانی
کلیدواژه‌ها: قوامی رازی، دیوان، تشبیه، ستایش، موسیقی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده.....	یک
پیشگفتار	د

فصل اول: کلیات

۱- دربارهٔ امیر قوامی.....	۲
۲- تعیین تقریبی زمان زندگی امیر قوامی.....	۳
۳- حرفهٔ نانوایی امیر قوامی	۵
۴- زندگانی امیر قوامی.....	۷
۴-۱- اوضاع معیشتی امیر قوامی.....	۷
۴-۲- دوران تلخ زندگی شاعر.....	۱۰
۵- مذهب امیر قوامی	۱۲
۶- قوامی، شاعر مناقب خوان.....	۱۴
۷- عمادی و قوامی.....	۷
۸ - ارادت شاعر به سنایی.....	۱۵
۹- ویژگی‌های شعر قوامی	۱۷
۹-۱- آوردن لوازم نانوایی همراه با تصویرسازی‌های شاعرانه	۱۷
۹-۲- قوامی، شاعر خودستا	۱۷

فصل دوم: مدایح

۲-۱- مدح و منقبت پیامبر (ص).....	۲۲
۲-۲- مدح و منقبت حضرت علی(ع)	۲۴
۲-۳- مدح و منقبت اهل بیت (ع)	۲۶
۲-۴- مدح و منقبت امام عصر (ع).....	۲۷
۲-۵- انگیزهٔ مداحی قوامی در ستایش ممدوحان عصر خویش	۲۸
۲-۶- ممدوحان قوامی.....	۲۹
۲-۶-۱- ترجمهٔ حال سید شرف الدین مرتضی	۲۹
۲-۶-۱-۱- مضامین مدح در خصوص سید شرف الدین مرتضی	۳۲
۲-۶-۲- بیان حال عماد الدین ابومحمد قاضی حسن استرآبادی	۳۵

- ۳۶ ۲-۶-۱- مضامین مدح در خصوص حسن استرآبادی
- ۳۷ ۲-۶-۳- معرفی قوام الدین ناصر بن علی درگزینی
- ۳۸ ۲-۶-۳-۱- مضامین مدح در خصوص قوام الدین ناصر بن علی درگزینی
- ۳۹ ۲-۶-۴- ترجمه‌ی خال رضی الدین سعد ورامینی (معمار الحرمین)
- ۴۰ ۲-۶-۴-۱- مضامین مدح در خصوص سعد ورامینی
- ۴۲ ۲-۶-۵- شرح حال شرف الدین ظهیرالملک ابوالحسن علی بن الحسن بیهقی
- ۴۳ ۲-۶-۵-۱- مضامین مدح در خصوص ابوالحسن علی بن الحسن بیهقی
- ۴۵ ۲-۶-۶- شرح حال امیر عبادی
- ۴۶ ۲-۶-۶-۱- مضامین مدح در خصوص امیر عبادی
- ۴۷ ۲-۶-۷- شرح حالی از سید فخرالدین و پدرش سید شمس الدین
- ۴۸ ۲-۶-۷-۱- مضامین مدح در خصوص سید فخرالدین
- ۴۸ ۲-۶-۷-۲- مضامین مدح در خصوص سید شمس الدین

فصل سوم: زهد و اخلاقیات

- ۵۱ ۳-۱- زهد
- ۵۱ ۳-۲- تعریف شعر زهد
- ۵۱ ۳-۳- قوامی، شاعر زهد سرا
- ۵۲ ۳-۳-۱- اطاعت از پروردگار
- ۵۳ ۳-۳-۲- انصاف و عدالت ورزی
- ۵۳ ۳-۳-۳- تشویق به ترک رباخواری، بدعت گذاری و دروغ گویی
- ۵۳ ۳-۳-۴- تضرع و زاری به درگاه حق
- ۵۳ ۳-۳-۵- توبه به درگاه حق
- ۵۴ ۳-۳-۶- خوش اخلاقی و خوش خلقی
- ۵۴ ۳-۳-۷- دعوت به راستی و نیکویی
- ۵۵ ۳-۳-۸- شب زنده داری
- ۵۵ ۳-۳-۹- صبر و بردباری در راه حق
- ۵۵ ۳-۳-۱۰- قناعت ورزی
- ۵۵ ۳-۳-۱۱- کمک به مستمندان

- ۱۲-۳-۳- مبارزه با هوای نفس..... ۵۶
- ۱۳-۳-۳- نکوهش دغل بازی منافقی و مکاری..... ۵۶
- ۱۴-۳-۳- نکوهش کینه توزی..... ۵۶
- ۱۵-۳-۳- نصیحت شنوی..... ۵۶
- ۱۶-۳-۳- نکوهش شهوت پرستی..... ۵۷
- ۱۷-۳-۳- نکوهش کبر، ریا، خشم..... ۵۸
- ۱۸-۳-۳- نکوهش ریاکاری..... ۵۸
- ۱۹-۳-۳- نکوهش مال حرام و توصیه به مال حلال..... ۵۸
- ۲۰-۳-۳- نکوهش رباخواری..... ۵۹
- ۲۱-۳-۳- نکوهش حرص و طمع کاری..... ۵۹
- ۲۲-۳-۳- دنیا از دیدگاه قوامی..... ۶۰
- ۴-۳- عشق..... ۶۶
- ۱-۴-۳- صفات عشق..... ۶۶
- ۵-۳- عاشق..... ۶۷
- ۱-۵-۳- صفات عاشق..... ۶۸
- ۶-۳- معشوق..... ۶۹
- ۱-۶-۳- صفات و ویژگی های ظاهری معشوق..... ۷۰
- ۲-۶-۳- صفات و ویژگی های رفتاری معشوق..... ۷۳

فصل چهارم: اصطلاحات علمی

- ۱-۴- اصطلاحات نجومی..... ۷۵
- ۲-۴- اصطلاحات فقهی..... ۸۰
- ۳-۴- اصطلاحات پزشکی..... ۸۲
- ۴-۴- اصطلاحات کلامی..... ۸۴
- ۵-۴- اصطلاحات عرفانی..... ۹۰

فصل پنجم: موسیقی شعر

- ۱-۵- پیوند موسیقی و شعر..... ۹۴
- ۲-۵- موسیقی درونی..... ۹۵
- ۱-۲-۵- موسیقی درونی در دیوان قوامی..... ۹۷

- ۱۰۸ ۵-۲-۱-۲-۳-۲- هم حروفی
- ۱۱۰ ۵-۲-۱-۴- طرد و عکس
- ۱۱۰ ۵-۳- موسیقی کناری
- ۱۱۰ ۵-۳-۱- قافیه در دیوان قوامی
- ۱۱۳ ۵-۳-۱-۲- همسانی صامت ها و مصوتهای بعد از روی و تأثیر آن بر غنای موسیقی قافیه
- ۱۱۵ ۵-۳-۲- ردیف
- ۱۱۵ ۵-۳-۲-۱- تأثیر صنایع لفظی بر ردیف
- ۱۱۸ ۵-۳-۲- ساختار ردیف در قصاید
- ۱۲۱ ۵-۳-۲-۳- ساختار ردیف در غزلیات
- ۱۲۳ ۵-۳-۲-۴- ساختار ردیف در ترکیب بندها
- ۱۲۴ ۵-۳-۲-۵- ساختار ردیف در ترجیع بندها
- ۱۲۵ ۵-۳-۲-۶- جدول ساختار ردیف در کل دیوان
- ۱۲۶ ۵-۴- موسیقی بیرونی
- ۱۳۴ ۵-۴-۱- جدول محور در کل دیوان
- ۱۳۵ ۵-۴-۲- نمودار درصد محور در کل دیوان
- ۱۳۵ ۵-۵- موسیقی معنوی
- ۱۳۶ ۵-۵-۱- تضاد
- ۱۳۶ ۵-۵-۲- حشو
- ۱۳۷ ۵-۵-۳- لف و نشر
- ۱۳۷ ۵-۵-۴- تقسیم
- ۱۳۸ ۵-۵-۵- مراعات نظیر
- ۱۳۹ ۵-۵-۶- تنسيق الصفات
- ۱۳۹ ۵-۵-۷- متناقض نما
- ۱۴۰ ۵-۵-۸- اعداد
- ۱۴۰ ۵-۵-۹- ارسال المثل یا تمثیل
- ۱۴۳ ۵-۵-۱۰- تلمیح
- ۱۵۱ ۵-۶- صور خیال در دیوان قوامی رازی
- ۱۵۱ ۵-۶-۱- تشبیه
- ۱۵۲ ۵-۶-۱-۱- انواع تشبیه به اعتبار طرفین

- ۱۵۲ ۵-۶-۱-۱-۱-۱-حسی به حسی
- ۱۵۲ ۵-۶-۱-۱-۲-عقلی به حسی
- ۱۵۳ ۵-۶-۱-۱-۳-عقلی به عقلی
- ۱۵۳ ۵-۶-۱-۱-۴-حسی به عقلی
- ۱۵۳ ۵-۶-۱-۲-انواع تشبیه به اعتبار متعدد بودن طرفین
- ۱۵۳ ۵-۶-۱-۲-۱-تشبیه ملفوف
- ۱۵۳ ۵-۶-۱-۲-۱-۱-تشبیه ملفوف مرتب
- ۱۵۳ ۵-۶-۱-۲-۲-تشبیه ملفوف مشوش
- ۱۵۴ ۵-۶-۱-۲-۲-تشبیه مفروق
- ۱۵۴ ۵-۶-۱-۲-۳-تشبیه تسویه
- ۱۵۴ ۵-۶-۱-۲-۴-جمع
- ۱۵۴ ۵-۶-۱-۳-انواع تشبیه از حیث ذکر وجه شبه و حذف آن
- ۱۵۴ ۵-۶-۱-۳-۱-مفصل
- ۱۵۵ ۵-۶-۱-۳-۲-مؤکد
- ۱۵۵ ۵-۶-۱-۳-۳-مرسل
- ۱۵۶ ۵-۶-۱-۳-۴-تشبیه بلیغ
- ۱۵۶ ۵-۶-۱-۴-تشبیه مضمیر
- ۱۵۷ ۵-۶-۱-۵-تشبیه تفضیلی
- ۱۵۷ ۵-۶-۲-استعاره
- ۱۵۷ ۵-۶-۲-۱-استعاره مصرّحه
- ۱۵۸ ۵-۶-۲-۱-۱-استعاره مصرّحه مجردة
- ۱۵۸ ۵-۶-۲-۱-۲-استعاره مصرّحه مرشّحه
- ۱۵۹ ۵-۶-۲-۱-۳-استعاره مصرّحه مطلقه
- ۱۵۹ ۵-۶-۲-۲-استعاره مکنیه
- ۱۶۰ ۵-۶-۳-کنایه
- ۱۶۱ ۵-۶-۳-۱-کنایه ایما
- ۱۶۲ ۵-۶-۳-۲-کنایه تلویح
- ۱۶۲ ۵-۶-۳-۳-کنایه رمز
- ۱۶۳ ۵-۶-۴-مجاز

- ١٦٣ ٥-٦-٤-١- مجاز به علاقة حالیه یا ظرف و مظروف
- ١٦٣ ٥-٦-٤-٢- مجاز به علاقة آلیه (ابزار)
- ١٦٤ ٥-٦-٤-٣- مجاز به علاقة جزئیت
- ١٦٤ ٥-٦-٤-٤- مجاز به علاقة جنس
- ١٦٤ ٥-٦-٤-٥- مجاز به علاقة لازمیت
- ١٦٥ ٥-٦-٤-٦- مجاز به علاقة عموم و خصوص
- ١٦٥ ٥-٦-٤-٧- مجاز به علاقة ماكان
- ١٦٥ ٥-٦-٤-٨- مجاز به علاقة سبب و مسبب
- ١٦٦ ٥-٦-٤-٩- مجاز به علاقة تضاد
- ١٦٦ ٥-٦-٤-١٠- مجاز به علاقة مضاف
- ١٦٧ نتیجه
- ١٧٠ منابع و مأخذ

پیشگفتار

استاد میر جلال‌الدین محدّث أرموی بعد از تصحیح کتاب «بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض» تألیف شیخ عبدالجلیل قزوینی، با مشکلات و ایراداتی برخورد کرده‌اند که جز با مراجعه به تألیفات معاصرین شیخ قابل حل نبوده، ناچار نگارنده به مقام فحص از آثار آن دوران برآمده است. وی با مطالعه نسخه عکس‌برداری شده دیوان قوامی رازی که توسط استاد گران‌قدر جناب آقای مجتبی مینوی تهیه شده بود؛ به تصحیح و توضیح دیوان مبادرت کرده و آن را در سال ۱۳۳۴ شمسی به طبع رسانده است.

جناب آقای مجتبی مینوی که به عکس‌برداری دیوان قوامی مبادرت نموده‌اند، در یادداشتی بیان فرموده‌اند که نسخه دیوان، از ابتدا ناقص می‌باشد و چون شماره صفحات را از اول نداشته است و فقط به برآده‌های پای صفحه که قدیم، معمول بوده است؛ اکتفا شده است؛ معلوم نمی‌شود که چقدر از دیوان ساقط است. عده‌ای از اشعاری که در لب‌الالباب و هفت‌اقلیم و غیرهما به قوامی نسبت داده شده است و در دیوان حاضر نیست؛ این احتمال را افزون می‌کنند که قسمت ساقط‌شده دیوان قوامی، بیشتر باشد. باین حال آنچه از اشعار قوامی به دست رسیده است ۳۳۴۸ بیت است که شامل ۵۸ قصیده، ۵۱ غزل، ۴ ترکیب‌بند و ۳ ترجیع‌بند است.

نگارنده رساله حاضر، بعد از تصویب موضوع، توسط گروه محترم زبان و ادبیات فارسی با هم‌فکری و هم‌اندیشی استاد عزیزم جناب آقای دکتر آتش‌زای، به جست‌وجو و تهیه دیوان قوامی برآمدم. بعد از مراجعه به کتابخانه‌های مختلف تبریز، در نهایت با مراجعه به کتابخانه ملی تبریز و با پرس‌وجو از مسئولان محترم کتابخانه به وجود ۳ جلد از نسخه دیوان پی برده و یک جلد از آن را تهیه نمودم. بعد از چندین بار مطالعه دیوان، شروع به فیش‌برداری کرده و رساله را به ترتیب زیر تدوین نمودم.

فصل اول

در این فصل به شرح احوالی از امیر قوامی رازی، وضعیت مادی و کیفیت زندگانی شاعر، نسبت تشیع شاعر، ارتباط شاعر با شاعران هم‌عصر خود هم چون سنایی و عمادی شهریارى پرداخته شده و نیز نگاهی کلی به ویژگی‌های شعر قوامی شده است.

فصل دوم

در این فصل مضامین اشعار مدحی بررسی شده است. اشعار مدحی قوامی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ دسته اول اشعاری است که در منقبت پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) سروده و دسته دوم مدایحی است که در خصوص بزرگان عصر خویش سروده است. در این فصل، نخست به بررسی اشعار مدحی شاعر در حق پیامبر(ص)، حضرت علی(ع) و ائمه(ع) پرداخته شده و در نوبت

دیگر ابتدا علل و انگیزه‌هایی که موجب شده قوامی به مدح بزرگان عصر خویش روی آورد؛ توضیح داده‌شده و سپس اشعار مدحی شاعر در خصوص ممدوحان سرشناس و ممتازش بررسی شده است. لازم به ذکر است که چون قصد نگارنده شرح و توصیف مضامین مدحی اشعار شاعر بوده است؛ به همین علت برای اینکه مناسبت موضوعی بهتری داشته باشد؛ قبل از پرداختن به مضامین اشعار مدحی، معرفی ممدوحان و شرح احوال آن‌ها در این بخش صورت پذیرفته و از آوردن آن در بخش مقدمه امتناع شده است.

فصل سوم

در این فصل مضامین اشعار زهدی و اخلاقیات بررسی شده است؛ در انتهای این فصل نیز صفات عشق، عاشق و معشوق در غزلیات شیرین شاعر بررسی شده است.

فصل چهارم

در این فصل اصطلاحات علمی موجود در دیوان بررسی شده که عبارتند از: اصطلاحات نجومی، پزشکی، فقهی، کلامی، عرفانی.

فصل پنجم

موسیقی شعر و نیز صورخیال در دیوان شاعر بررسی شده است. موسیقی درونی: در زمینه موسیقی درونی، بیشترین توجه شاعر به صنعت سجع می‌باشد. موسیقی کناری: صنعت سجع در بیشتر اشعار قوامی با قافیۀ کناری بیت همسان به‌کاررفته و بر موسیقی آن تأثیر نهاده است. در بحث ردیف ابتدا تأثیر صنایع لفظی بر ردیف و سپس ساختار ردیف به تفکیک قالب‌های شعری تحلیل و بررسی شده و در جدولی ساختمان ردیف در کل دیوان نمایش داده شده است. موسیقی بیرونی: بحر هزج و بحر مضارع بیشترین بسامد اوزان را در میان سایر بحور، دارا هستند.

موسیقی معنوی: در بخش موسیقی معنوی بیشترین عنایت شاعر به آیات و داستان‌های قرآنی و نیز تمثیل‌های شیرین و دلنشین می‌باشد.

عناصر خیال: انتهای فصل دوم را به عناصر خیال در دیوان قوامی اختصاص داده‌ایم. بیشترین عنصر خیال در دیوان شاعر، تشبیه است که در این میان، تشبیه بلیغ بیشترین بسامد را داراست. استعاره و کنایه نیز بعد از تشبیه کاربرد چشمگیری دارند؛ مجاز نسبت به دیگر عناصر خیالی، در پایین‌تر مرحله قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق: در مورد دیوان قوامی، تاکنون پایان‌نامه‌هایی با عنوان «نقد و بررسی دیوان قوامی رازی شاعر شیعی قرن ششم» در سال ۱۳۶۴ در دانشگاه تربیت مدرس، «آرایه‌های ادبی دیوان قصاید

قوامی رازی (با تأکید بر عناصر خیال)» در سال ۱۳۸۹ در دانشگاه پیام نور تهران، «لغات و ترکیبات در دیوان قوامی رازی» در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین و پایان‌نامه دیگری با «عنوان فرهنگ تشبیهات دیوان قوامی» در دانشگاه پیام نور خوزستان در سال ۱۳۸۷ نوشته شده است. یک مقاله نیز با عنوان «قوامی ستایشگر شیعه» از علیرضا نبی لوی چهره قانی به طبع رسیده است.

در پژوهشی که در مورد آرایه‌های ادبی دیوان قصاید قوامی رازی به‌عمل آمده، به‌طور جامع و کامل به بررسی عناصر خیال پرداخته‌شده و کمیت عناصر خیال با ارائه نمودارهایی نشان داده شده است. لذا چون در این پژوهش هدف اصلی نگارنده تبیین جایگاه عناصر خیال در دیوان قصاید قوامی رازی بوده، در مورد صنایع لفظی و معنوی تعمق چندانی صورت نپذیرفته و شرح و توصیف و کم و کیف بسیاری از صنایع موجود در دیوان، از قلم نگارنده به دورمانده است.

با توجه به این موضوع، چون یکی از اهداف رساله حاضر شناساندن جنبه‌های ادبی دیوان قوامی، اعم از عناصر خیال و صنایع لفظی و معنوی بوده، تا حد امکان سعی نگارنده بر این بوده است که از دوباره‌گویی و تکرار مطالب نوشته‌شده، پرهیز نماید. به همین علت نگاه خیلی کلی به عناصر خیال داشته‌ایم و اهتمام بر این بوده که صنایع لفظی و معنوی با نگاهی متفاوت، در چارچوب موسیقی شعر، بررسی شود.

در پایان‌نامه «نقد و بررسی دیوان قوامی رازی شاعر شیعی قرن ششم» که در سال ۱۳۶۴ به تحریر درآمده است؛ بیشترین حجم محتوای رساله حول محور اعتقادات شیعی شاعر بوده و نیز نگاه کلی به بدیع لفظی و معنوی شده است.

برای تسهیل در انجام تحقیق برخی اختصارات به‌کاررفته شامل: (ص: صفحه، صص: صفحه‌ها، ر.ک: رجوع کنید، غ: غزلیات، ق: قصاید)، می‌باشد.

چون شماره قصاید و غزلیات و ترجیعات و ترکیب‌بندها در دیوان معین نبوده، در بخش موسیقی بیرونی شعر، به صفحات دیوان، همراه با شماره‌گذاری‌هایی که خود از قالب‌های شعری داشته‌ایم، ارجاع داده شده است.

ارجاع منابع درون‌متنی بوده و نیز ارجاع آیات قرآنی به‌صورت (سوره/آیه)، در داخل متن است.

اهمیت تحقیق: با توجه به اینکه تاکنون تحقیق جامعی در مورد دیوان قوامی به‌عمل نیامده است؛ علی‌الخصوص از جنبه پرداختن به موسیقی شعر و نیز مضامین شعری، تحقیق حاضر می‌تواند در نوع خود، بدیع و تازه نماید.

اهداف پژوهشی

شناساندن جنبه‌های موسیقایی دیوان قوامی رازی

شناساندن ممدوحان به نام و معروف قوامی رازی

بررسی جنبه‌های محتوایی دیوان

بررسی جلوه‌های زیبایی‌شناختی در دیوان قوامی رازی

و سخن پایانی اینکه، این نوشته مشقی است برای آموختن و به همین دلیل سرشار است از کاستی‌ها و اشتباهات، امیدوارم خاطر تیزبین استادان فرهیخته، مرا بر این اشتباهات آگاه گردانند تا بدانم آنچه را که نمی‌دانم.

فصل اول: کلیات

۱- دربارهٔ امیر قوامی رازی

عوفی در لباب‌الالباب دربارهٔ قوامی گوید: «الاجل بدرالدین شرف‌الشعرا القوامی الرازی رحمة الله؛ امیر قوامی که قدّ فضل از وی با قوام و خدّ هنر بدو با قوام بود؛ ذات او در احسان فصاحت همعنان حسان؛ و طبع او در شمائل لطافت هم مزاج شمال وزان و آب روان، روان از گفته‌هاش بر سریر سرور تکیه زنان؛ و دل از منشآت او روح روح یابد و مخدوم او قوام‌الملک طغرابی بود و او را به وی نسبت داده‌اند.» (عوفی: ۱۳۳۵: ۲۳۶) امین احمد رازی نیز در تذکرهٔ هفت‌اقلیم با همان مضمون قوامی را معرفی می‌کند «اشرف‌الشعراء بدرالدین قوامی، شاعریست که قدّ فضل او با قوام بوده و خدّ هنرش با قوام، هر نوایی که از آن عندلیب به بستان فصاحت به گوش مشتاقان رسیده، همه طرب‌انگیز و دلاویز بوده، چون به قوام‌الدین طغرابی مختلط بوده هرآینه قوامی تخلّص می‌کرده شعر بسیار گفته اما الحال شعرش از یاقوت اصفهر و کبریت احمر نایاب‌تر است» (رازی: ۱۳۳۴: ذیل قوامی) همچنین علی‌قلی بیگ داغستانی در ریاض‌الشعراء، تقی‌الدین محمدبن سعدالدین محمدالحسینی در تذکرهٔ عرفات، رضاقلی خان هدایت در مجمع‌الفصحا احوال قوامی را با اندکی تفاوت از همدیگر نقل کرده‌اند.

ذکر قوامی رازی در تذکره‌های قدیم فارسی و منابع دیگر آن ایام مانند چهارمقاله، لباب‌الالباب، تذکره‌الشعرا دولت‌شاه و فرهنگ اسدی و... نیامده، قدیم‌ترین منبعی که نامی از قوامی رازی در آن دیده می‌شود یکی مجموعه‌ایست تذکره‌مانند که در حدود اوایل قرن دهم هجری به ترتیب حروف تهجی در میان اشعار یک عدّه از شاعران مشهور فارسی از روی منابعی دیگر ترتیب داده‌شده، دیگر هفت‌اقلیم احمد رازی که ذکرش گذشت.

تنها مطلبی که راجع به قوامی رازی از این منابع نتیجه می‌شود غیر از چند قطعه شعر، این است که لقب او «اشرف‌الشعراء» و «بدرالدین» بوده و چون وی ابتدا در سلک مداحان «قوام‌الدین طغرابی» انتظام داشته تخلّص خود را از لقب این شخص اقتباس نموده، غیر از این دو نکته مطلبی دیگر از منابع مذکور به دست نمی‌آید. با این حال اطلاعات دربارهٔ قوامی اندک است و تذکره نویسان تنها چند سطری از احوال وی را ارائه داده‌اند.

عبّاس اقبال در مجله یادگار به اشتباه رفته و می‌نویسد: «بدبختانه از او مانند سایر گویندگان قدیم ری یعنی منصور منطقی و بنداوری و مسعود ابوالمعالی و نخّاس غضائری و شمس و ابوالمفاخر، مقدار قابلی شعر به جای نمانده و دیوان او هم مانند دواوین دیگر رازی از میان رفته است و امروز چند قطعه شعر از او در بعضی مجموعه‌ها و تذکره‌ها دیده می‌شود اثر دیگری نداریم حتی تعیین زمان او نیز که در هیچ جا به آن اشاره‌ای نشده خالی از اشکال نیست» (اقبال: ۱۳۳۲: ۶۷) و چون ایشان دیوان امیر قوامی رازی را در دست نداشته‌اند به خطا رفته و آنچه را اشاره می‌کند سخنان صاحب هفت‌اقلیم است و بعدها خود اقرار می‌کند که او نیز از لباب الالباب بهره برده است. لیک به اصل دیوان دسترسی نداشته است و چون حدود تاریخی زندگی او را نیز نیافته است همانند عماد کاتب به خطا رفته و او را مادح فرزند ابوالقاسم ناصر بن درگزینی می‌داند که از عنوان او (قوام الدین) قوامی را گرفته است. «قوامی رازی بی‌گمان تخلص را از قوام‌الدین درگزینی پسر قوام الدین ابوالقاسم ناصر بن درگزینی معروف که پس از قتل پدر خود در سال ۵۲۸ به قوام‌الدین ملقب گردید و در عهد سلطنت طغرل سوم (۵۷۱-۵۹۰) پس از برادر خود جلال‌الدین سمت وزارت او را یافت» (رازی: ۱۳۳۴: ذیل قوامی)

اما این نظر ناصواب است و درباره‌ی حدود تاریخ زندگی قوامی رازی به اجمال سخن می‌رود.

۲- تعیین تقریبی زمان زندگی امیر قوامی رازی

استاد محدث ارموی در مقدمه‌ی دیوان با دلایل استوار و متقن به تعیین محدوده‌ی تاریخی زندگی این شاعر پارسی‌گو پرداخته‌است؛ لذا از دوباره کاوی پرهیز نموده و نقل مستقیم کتاب آورده می‌شود. «چون قوامی رازی بعد از وفات مغیث الدین ابوالقاسم محمود بن محمد بن ملک شاه سلجوقی که در سال پانصد و بیست و پنج بوده است قصیده‌ای در مدح قوام الدین ابوالقاسم ناصر بن علی درگزینی وزیر سلطان مزبور ساخته و در اواخر آن قصیده ابیات ذیل را به عنوان خطاب به او اظهار می‌دارد:

خداوند قوامی بس قدیم است	که دارد حق خدمتها فراوان
رسیده پیش ازین در دولت تو	ز خدمت‌ها به نعمت‌های الوان
کنون گر دورم از خدمت عجب نیست	که باغ وصل دارد داغ هجران

(دیوان ص ۱۳۲)

معلوم می‌شود که قوامی در این ایام سالیان دراز بوده که ترک خدمت این ممدوح سابق و ولی نعمت دیرینه خود را کرده در وطن خود که ری باشد اختیار اقامت نموده است و چون در قصیده دیگر که قوام‌الدین مذکور ساخته تخلص به مدح ممدوح خود را به این بیت زیرین کرده است:

چنین رسوا نمی ترسی که از حالت خبر یابد یگانه خواجه عالم قوام الدین طغرائی
(دیوان مقدمه)

معلوم می‌شود که این قصیده را زمانی ساخته است که قوام الدین به وزارت نرسیده بوده است بلکه طغرا نویس بوده است و بنابر تصریح عماد کاتب در تواریخ آل سلجوق به سال پانصد و دوازده فرمان طغرا نویسی از جانب سلطان سنجر برای وی صادر شده است و نصّ عبارت او در این باب است «و کتب منشوراً للوزیر کمال الملک به تقریره علی الوزاره و منشوراً لعلی بار بتمکینه فی الاماره و منشوراً لابی القاسم الدرکزینی بمنصب الطغراء والانشاء» و نیز در همان جا گفته «و عادالوزیر الکمال و له الابّه والجلال والدرکزینی فی دیوان الطغراء و شمس الملک بن نظام الملک فی دیوان استیفاء» و طولی نکشیده که امیر علی بار کشته شده و قوام الدین که سابقاً وزیر او بوده مغضوب و محبوس شده و بدین جهت منصب طغرانویسی را نیز از او گرفته به کس دیگر داده اند و عماد کاتب در این باب گوید: «و لما قبض الدرکزینی و عزل ولیّ الوزیر کمال الملک منصب الطغراء أخاه النصیر و ناطه بذلک المنصب الخطیر» و چون این عبارت را در کتاب مذکور قبل از وقایع سال ۵۱۳ نوشته است پس معلوم می‌شود که تصدیّ قوام الدین به منصب طغرانویسی همانا در سال ۵۱۲ بوده است پس بنابراین قصیده دوم قوامی در مدح قوام الدین که وی در آن قصیده به قوام الدین طغرائی معرفی کرده است منطبق با این زمان یعنی سال ۵۱۲ خواهد بود که قوام الدین در آن تاریخ صاحب منصب طغرانویسی بوده است و چون از قصیده سابق‌الذکر برمی‌آید که قوامی در آن ایام جوان بوده است به دلیل این بیت:

درین دولت همه پیران جوانستند و من بنده چو پیران بگذرانم روز و شب ایام برنایی
(دیوان مقدمه)

پس باید قوامی در اوایل قرن ششم آن مقدار سن داشته باشد که بتواند از عهده مدیحه‌سرایی برای مثل قوام الدین مزبور برآید و لیاقت مدّاحی مانند وی را که ممدوح غالب ادبا و شعرای معروف زمان خود است داشته باشد و بلکه تقرّب و اختصاص به وی داشته باشد تا به درجه‌ای که تخلّص خود را از لقب او بگیرد و چون معلوم شد که قوامی در تاریخ مزبور از مدّاحان خاص وی بوده قصاید غرائی در حقّ او می‌ساخته است با کمال جرات باید گفت که تولّد قوامی در اواسط یا اواخر قرن پنجم بوده است تا ممکن باشد تصوّر این معنی را کرد که قوامی به سال ۵۱۲ مردی بوده و در سلک مدّاحان قوام الدین مزبور به شمار می‌رفته است و از طرفی چون قوامی در اواخر عمر به مدّاحی شرف الدین محمد نقیب النقباء ری (متولد به سال ۵۰۴ و متوفی به سال ۵۶۶) می‌پرداخته است و همچنین قاضی حسن استرآبادی متوفی به سال ۵۴۷ و معاصرین ایشان را مدح گفته است به